

روش‌شناسی مردمی

دکتر بیوک محمدی

آنچه از نظر خوانندگان می‌گذرد بحث مختصری است دربارهٔ نظریهٔ «روش‌شناسی مردمی».^۱ با توجه به سابقهٔ تاریخی این نظریه می‌توان گفت که بحث دربارهٔ ریشهٔ مفاهیم و نظری آن موضوعی طولانی، پیچیده و جالب است که مؤلفان دیگر به بهترین شکل به آن پرداخته‌اند. آنچه در اینجا ارائه می‌شود بحثی است کوتاه دربارهٔ اصول کلی و کاربرد این نظریه. مقصد ما این است که روش‌شناسی مردمی را برای دانشجویان و علاقه‌مندان به تحقیق در زمینهٔ جامعه‌شناسی به زبان ساده معرفی کنیم و آنان را با ذکر مثالهایی با کاربرد این نظریه آشنا سازیم. در بخش پایانی نیز به سابقهٔ تاریخی آن، به لحاظ اهمیتی که دارد، اشاره‌ای شده است تا شاید برای خوانندگانی علاقه‌مند راهنما و راهگشا باشد.

مقدمه

یکی از بزرگترین مشکلاتی که بر سر راه مطالعهٔ امور عادی و روزمرهٔ زندگی وجود دارد همانا عادی و روزمره بودن آنهاست. تهیهٔ گزارش و تحلیلی از وقایع غیرعادی و استثنایی مثل تظاهرات، اعتصاب، انقلاب و... کاری است مشکل، اما مطالعهٔ امور عادی زندگی مثل حرکت مردم در پیاده‌رو، خرید کردن گپ زدن عده‌ای همکار، انجام

۱. عضو مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

وظایف روزانه و ... کاری است بس مشکلتر. با اینکه اغلب مردم خلاف آن را تصور می‌کنند اما در واقع اعمال و رفتارهایی که در اذهان بدیهی و تثبیت شده^۱ فرض می‌شوند و ساده به نظر می‌رسند، از نظر درک علمی مشکل‌زاتراند؛ و تا موقعی که کسی برای تحقیق و مطالعه عمقی چنین پدیده‌هایی سعی نکرده باشد پی به اهمیت این نکته نخواهد برد.

چنین برداشتی جامعه‌شناس شهیر هاروله گارفینکل^۲ را بر آن داشت تا روی مطالعه همین امور به اصطلاح عادی تأکید کند. وی معتقد است که همین امورند که ما را به درک بهتری از جوامع انسانی رهبری می‌کنند؛ و از آنجا که اغلب رفتارهای افراد جامعه در چهارچوب همان امور عادی صورت می‌گیرد، حتی اعمال غیرعادی‌ترین فرد نیز از مقوله همان امور است. لذا اگر به زندگی عادی روزمره و امور آن توجه کافی نکنیم اکثر آنچه را که انسان بدان مشغول است نادیده گرفته‌ایم.^۳

امور عادی به صرف اینکه عادی به نظر می‌رسند ساده نیستند و در پشت پرده‌ای از فرضیات که آنها را واضح می‌نمایاند، مستورند. تا این پرده کنار زده نشود واقعیت بدانگونه که هست دیده نخواهد شد. روش‌شناسی مردمی، روشی است در جهت همین پرده‌برداری از واقعیات پوشیده.

روش

جهت درک امور عادی و تفحص در پشت پرده فرضهای تثبیت شده یا پیش‌فرضها در اذهان - یابه اصطلاح بدیهیات - دست کم دو روش ارائه شده است. گارفینکل معتقد است که برای این کار به هم زدن شرایط عادی زندگی با رفتارهای مخالف هنجارهای معمول روشی مؤثر است.^۴ چنین کاری مسلماً به اغتشاش می‌انجامد زیرا که فرضیاتی که

1. Taken for granted

2. Harold Garfinkel

3. R. P. Guzzort and E. W. King. *Humanity and Modern Social Thought*. (2nd ed.) Hinsdale, Ill; The pryden press. 1976, pp. 257-65

4. Harold Garfinkel. *Studies in Ethno metho dology*. Engewood

آن امور را عادی و واضح جلوه می دهند، یا فرو می پاشند و یا زیر سؤال برده می شوند. با اینکه اغلب اعتشاشات ایجاد شده از این طریق (به هم خوردن امور عادی) ممکن است بسیار بزرگ و فاجعه آور نباشند اما می توانند ما را به پشت پرده امور عادی راهنمایی کنند. مثلاً هنگامی که مهمانی به خانه شما می آید، شما برای پذیرایی از جا برمی خیزید. اگر مهمان بگوید که زحمت نکشید من برای خوردن نیامده ام، شما هم از پذیرایی چشم پوشی کرده بنشینید و بگویید اگر برای خوردن نیامده ای برای چه آمده ای. اگر مهمان بگوید که برای دیدن شما آمده ام، بگویید بفرمایید این هم من ببینید و آنگاه ساکت بنشینید. تصور می کنید که چه اتفاقی می افتد؟

گارفینکل طی مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که زیر پا نهادن هنجارها و بر هم خوردن امور عادی ابتدا تعجب و حالتی ناباورانه ایجاد می کند و بالاخره به واکنش خصمانه منتهی می گردد. و این دقیقاً بدان علت است که افراد در زندگی خود یک سلسله حوادث و واکنشهای متقابل را واضح و ساده تلقی می کنند و از پیچیدگیهایی که در پشت این امور قرار گرفته اند ناآگاه اند.

به هم خوردن عرف (امور عادی) معمولاً با اضطراب همراه است. از این روست که در مثال بالا اگر شما به همان گونه که پیشنهاد شد رفتار کنید مهمان ناراحت خواهد شد زیرا که شما با امتناع از تبعیت از رفتار معمول مهمان نوازی این عرف را به هم زده و جو اغتشاش آفریده اید و فرضهایی را که مهمان درباره مهمان نوازی و پذیرایی پذیرفته، و فرض می کند که شما هم آن فرضها را پذیرفته اید، با رفتار خود از هم پاشیده اید.

مثلاً وقتی که مهمان می گوید من برای خوردن نیامده ام واقعاً منظورش این نیست که جای و شیرینی و میوه نیاورید بلکه می خواهد تعارفی کرده باشد - و عرف بر این است که چنین تعارفی صورت گیرد - و اگر شما آن را جدی تلقی کرده باشید و پذیرایی نکنید وی آن را بی حرمتی نسبت به خود تلقی خواهد کرد و یا به بی اطلاعی شما از آداب مهمان نوازی نسبت خواهد داد. او همچنین فرض می کند که اگر تعارف نکنند ممکن است که شما آن را بی احترامی تلقی کنید و او را آداب ندان بینگارید و یا تلویحاً

می‌خواهد به شما خاطر نشان کند که یادتان نرود که من مهمانم و شما باید پذیرایی کنید (زیرا فرض او بر این است که ما از افرادی که برایشان احترام قایلیم، پذیرایی می‌کنیم). لذا اگر شما پذیرایی نکنید ممکن است وی آن را بی‌حرمتی نسبت به خود تلقی کند. ملاحظه می‌کنید که اگر به فرضیاتی که در ذهن مهمان و مهماندار است ادامه دهیم موضوع چقدر پیچیده می‌شود. این پیچیدگی موقعی آشکار شد که ما فرض کردیم که شما طبق روال معمول عمل نکنید. و این کاری است که گارفینکل انجام دادن آن را توصیه می‌کند. او با طرح همین روش ساده (بر هم زدن عرف پذیرایی از مهمان) بود که به ما فرصت داد تا به فرضیاتی که در چگونگی رفتار اجتماعی نقش آفرین‌اند واقف شویم. البته لازم نیست که همیشه خود شما به زیر پا نهادن فرضیات مبادرت ورزید؛ بلکه می‌توانید با مشاهده دقیق موارد نقض سنن، عرف و قواعد رفتارهای مقبول اجتماعی و در نتیجه به زیر سؤال رفتن آن فرضیات، و با تحلیل واکنشهایی که صورت می‌گیرد، اهمیت موضوع پی‌بیرید.

در نهایت طبق نظریه روش‌شناسی مردم حوادث غیرعادی است که فرضیاتی را که به رفتارهای اجتماعی شکل می‌دهند و آنها را عادی می‌نمایانند، بر ملا می‌سازد. و شناخت همین معنی ما را به شناخت بهتری از ساختار رفتار اجتماعی رهبری می‌کند. زیرا که در نهایت معرفت روزمره از واقعیات زندگی اجتماعی، همان معرفت نهادی شده، از دنیای حقیقی، نشئت می‌گیرد.^۱ گارفینکل که به زعم خود از نظریات آلفرد شولتز^۲ مدد جسته است از قول او نقل می‌کند که فرد فرض می‌کند و فرض می‌کند که فرد مقابل نیز فرض می‌کند و همین طور فرض می‌کند که آنچه را وی درباره طرف مقابل فرض می‌کند، فرد مقابل نیز همان را در باره او فرض می‌کند. و این پایه و اساس زندگی روزمره و رفتارهای نهادی شده (رفتارهای عرف) و یا همان عقل سلیم (شم عامه)^۳ است.^۴

روش دیگر جهت عبور به پشت پرده قراردادهای معمولی، که سنگ زیربنای امور

1. *Ibid*, P.53.

2. Alfred Schultz

3. Common seuse

4. *Ibid*. P.155.

عادی را تشکیل می‌دهند، عبارت است از نگاه کردن به وضعیت معمولی از دیدگاه و پایگاه فردی ناآشنا و غریبه. مثلاً برای تمرین می‌توانید به خانه خودتان بروید و فرض کنید که برای اولین بار به خانه یک بیگانه پا نهاده‌اید. آنگاه سعی کنید وضعیت ظاهری و روابط اجتماعی موجود در آن را از همان دیدگاه ناآشنا شرح دهید. این کاری بود که گارفینکل اغلب از دانشجویان خود می‌خواست که تمرین کنند و با تنظیم رفتارهایشان با اعضای خانواده خود به عنوان فردی غریبه واکنشها را یادداشت کنند.

از آنجا که فرضیات ذکر شده درباره امور عادی همانهایی هستند که به ساختار مکالمات روزمره شکل می‌دهند و چهارچوبی برای آنان تهیه می‌کنند، می‌توان از روش اخیر (نگاه به وضعیت آشنا از دیدگاه فردی ناآشنا) در مصاحبه‌ها استفاده کرد و با بسیاری از فرضیات فرهنگی آشنا شد. برای نمونه مثال زیر را در نظر بگیرید:

مصاحبه یک پرسشگر فرضاً ناآشنا با یک آشنا درباره رسم پذیرایی از مهمان در ایران لطفاً بفرمایید پذیرایی یعنی چه؟

خودت می‌دانی وقتی که مهمان به خانه می‌آید از او پذیرایی می‌کنیم، چای و شیرینی و میوه می‌آوریم.

نه من نمی‌دانم پذیرایی یعنی چه؛ وانگهی چرا برای مهمان چای و شیرینی و میوه می‌آوردید نه چیزهای دیگر مثل نان و گوشت و

خوب این رسم است.

آیا مهمان یا پذیرایی انواع و اقسام دارد؟

نه مهمان همان مهمان است. اما اگر با او رودربایستی داشته باشیم یا مهمان فرد مهمی باشد بهتر پذیرایی می‌کنیم.

رودربایستی یعنی چه؟ مهمان مهم کیست و منظورشان از پذیرایی بهتر کدام است؟

مثلاً مثل کسی که برای اولین بار به خانه می‌آید یا آدم محترمی است از او بیشتر پذیرایی می‌کنیم.

اگر پذیرایی نکنید چه می‌شود؟

ممکن است فکر کند ما خسیس هستیم.

اگر فکر کند که شما خسیس هستید چه اتفاقی می‌افتد؟

آبرویمان می‌رود.

آبرو چیست و اگر آبرویتان برود چه می‌شود؟

اینها را دیگر نمی‌دانم. همه آداب و رسوم است. ما که این آداب و رسوم را ایجاد نکرده‌ایم، قبلاً بوده.

راستی موقع پذیرایی لباس می‌پوشید یا لخت می‌شوید؟

...-

آیا موقع پذیرایی حرف می‌زنید یا ساکت هستید؟

...-

در کدام قسمت خانه پذیرایی می‌کنید؟

...-

اگر مهمان به نوع پذیرایی اعتراض کرد چه می‌کنید؟

...-

آیا مهمان در ازای پذیرایی پولی پرداخت می‌کند؟

...-

آیا طرز پذیرایی از زنان و مردان به طور متفاوت صورت می‌گیرد؟

...-

آیا نشسته پذیرایی می‌کنید یا ایستاده؟

...-

حال سؤال این است که چرا و چگونه این روش در شناخت اعمال انسانها مؤثر می‌افتد؟ بر طبق نظریه روش‌شناسی مردمی انسانها دنیای خود را خود می‌سازند و اینکه زندگی روزمره از انسجام نسبی برخوردار است و می‌تواند موضوع تحقیق باشد. افراد (اعضای جامعه) پیوسته تلاش می‌کنند که فعالیت‌هایشان را برای خود و سایرین قابل درک سازند. اما باید توجه داشت که این تلاشها، چنان که در زندگی روزمره می‌بینیم، بر مبنای

این فرض بنا شده‌اند که استوار و واضح و تثبیت شده تلقی می‌گردند. یک خصوصیت مهم زندگی روزمره فهرست کردن^۱ مکالمات است. این بدان معنی است که درک مکالمات در زندگی روزمره بستگی به این دارد که شرکت کنندگان در مکالمه یک سلسله فرضیاتی را که زمینه مکالمه است می‌پذیرند و با آنها شکافهای خالی را در مکالمات پر می‌کنند و بدان استحکام می‌بخشند.^۲ با این کار آنان با فرض اینکه همدیگر را می‌فهمند از دردسر سؤال و جواب زیادی راحت می‌شوند. (همان طور که در مثال بالا دیدیم بسیاری از سؤالها از نظر پاسخگو بی‌مورد به نظر می‌رسد.) بدین ترتیب همه حرف همدیگر را می‌فهمند و زندگی روال عادی به خود می‌گیرد و قابل درک می‌شود. خلاصه اینکه روش‌شناسی مردمی به مطالعه روشی می‌پردازد که مردم در ساختن و پرداختن دنیای اجتماعی خود به کار می‌گیرند، و برای این کار از دو روش یاد شده استفاده می‌کند.

مقام روش‌شناسی مردمی در جامعه‌شناسی

روش‌شناسی مردمی به طور تحت‌اللفظی یعنی «روش مردم»؛ و آن ارائه روشی است که به تحقیق و تفحص درباره روش و دخالت انسانها در شکل‌گیری ساختار زندگی روزمره می‌پردازد. از این رو می‌توان گفت که روش‌شناسی مردمی هم روش تحقیق است و هم موضوع تحقیق.^۳ از آنجا که هنوز در مراحل اولیه تحقیق با این روش هستیم لذا نکات ریز و مسائل زیادی است که باید روشن شوند. نقد و بررسی و تصحیح نقاط ضعف این نظریه هنوز در مراحل اولیه است.

روش‌شناسی مردمی در متون مختلفی که به ارائه نظریه‌های جامعه‌شناختی می‌پردازند معمولاً در بخش مربوط به نظریه‌های کنش متقابل^۴ گنجانده شده است و

1. indexing

2. ethnomethodology. *The Penguin Dictionary of Sociology*. Penguin, london, 1484. P.83.

3. Robert Bogdan and Steven J. Taylor, *Introduction to Qualitative Research Methods*. new york. wiley and sons, 1975. P16.

4. in Ter actionist Theory

همین گویای ریشه‌های نظری و مقام آن در زمینه نظری جامعه‌شناسی است. با توجه به محتوای این نظریه می‌توان همگونی آن را با کنش متقابل نمادی^۱ و مخصوصاً با پدیدارشناسی^۲ آلفرد شولتز ملاحظه کرد. با اینکه گارفینکل علاوه بر شولتز شاگرد پارسونز نیز بود با این حال به ابداع نظریه‌ای پرداخت که ظاهراً از ساختگرایی او فاصله گرفت. لازم به یادآوری است که پارسونز متفکری است که نظریه‌هایش بسیار جامع و پیچیده است و نظریه‌هایی که به دنبال نظریه‌های وی رشد کردند در دو سوی مخالف (نظریه‌هایی با گرایش تأکید به اعمال و نظریه‌هایی با گرایش تأکید به ساختار) پیش رفتند. با در نظر گرفتن اینکه گارفینکل و نظریه روش‌شناسی مردمی او جزو نظریه اعمال (و متأثر از سایر نظریه‌ها در این زمینه) محسوب می‌شود می‌توان تأثیر پارسونز را نیز بر او مشاهده کرد.^۳ قصد از اشاره به این نکته تأکید این موضوع است که ریشه‌یابی روش‌شناسی مردمی مستلزم غور و تفحص در سلسله نظریه‌هایی است که دامنه‌ای وسیع دارند و بحث درباره آنها از حوصله این مقاله کوچک خارج است. اما درباره تأثیر پدیدارشناسی شولتز که خود گارفینکل بارها بدان اشاره می‌کند می‌توان جهت‌آشنایی بیشتر با ریشه نظری روش‌شناسی مردمی بدان اشاره‌ای کرد تا حق مطلب درباره این نظریه ادا شود.

پدیدارشناسی یک بینش فلسفی است که با نظریه‌های هوسرل^۴ معروفیت پیدا کرد. شولتز خود تحت تأثیر او بود، اما در تأکید به اهمیت مطالعه چگونگی ایجاد تداوم کنش متقابل از وی فاصله گرفت. شولتز همچنین توجه‌اش را به چگونگی ساختار دنیایی که بدیهی و مسلم تلقی می‌شود و به زندگی اجتماعی نظم می‌بخشد، معطوف کرد. و بعدها همین تأکید بر زندگی روزمره و تداوم احساس واقعیت در نظر افرادی که عاملان همان زندگی روزمره هستند به موضوع اصلی در روش‌شناسی مردمی تبدیل شد. در واقع نیز

1. symbolic interactionism

2. Phe nomenology

3. Jeffry C. Aleyander. The New Theoretical Movement in *Handbook of sociology*. eal.N.J.Smelser new york, sage Publications, 1988, pp.77-101, p.89.

4. Husserl

بسیاری از مفاهیمی که توسط طرفداران این نظریه به کار گرفته شدند از شولتز و یا حتی از هوسرل گرفته شدند. اما روش‌شناسی مردمی به نوعی پدیدارشناسی پرداخت که در آن موضوع چگونگی تداوم نظم اجتماعی توسط عاملان، که برای ایجاد احساس مشترک در زندگی پدید می‌آورند، موضوعی محوری شناخته شد.

پس می‌توان گفت که روش‌شناسی مردمی از نظریه‌پردازانی چون گافمن^۱ هوسرل و شولتز که در زمینه کنش متقابل مطالعه می‌کردند تغذیه کرد. طرفداران این روش با تأکید به روند کنش متقابل و با استفاده از روشهایی که افراد برای ایجاد و تعریف وضعیت خاص از آنها استفاده می‌کنند و با توجه به احساس مشترکی که بین آنان به وجود می‌آید، به ایجاد روش جدیدی دست زدند. طرفداران روش‌شناسی مردمی مدعی هستند که با بهره‌برداری از نظریه‌های پدیدارشناسی و کنش متقابل توانسته‌اند به نگرشی نو در تبیین دنیای اجتماعی دست یابند و بینشی نو در زمینه درک سؤال مربوط به چگونگی ایجاد و ظهور سازمانهای اجتماعی، تداوم و تغییر آنها ارائه دهند. به عبارت دیگر روش‌شناسان مردمی به جای اینکه بپرسند «نظم چگونه ممکن است» پژوهشهای خود را با این سؤال آغاز می‌کنند که «احساس نظم در افراد چگونه ایجاد می‌شود».^۲

با وجود اینکه از این نظریه انتقادات زیادی شده است مبنی بر اینکه ساختار را نادیده می‌گیرد و فقط به مطالعه اعمال می‌پردازد و درباره موضوعهایی تحقیق می‌کند که پدیده‌هایی بی‌اهمیت هستند و در موقع تحقیق از روشهای رایج استمداد می‌جوید و ... روش‌شناسی مردمی هنوز هم به عنوان یک نظریه مهم در میان نظریه‌های خرد جامعه شناختی از جایگاهی با ارزش برخوردار است.^۳

1. Gufmem

2. Jona thau H. Turner. *The structure of Soaiological The ory* (4thed.) th Dorsey Press, chicago, Ill. 1986, P.392

3. Jeffrey C. Alexander, *op.ut*, p.89.